عکس: مهدی حسنی

گفت‌وگو با ارفع اطرائی، نوازنده و مدرس موسیقی

سازم را فروختم تا زنده بمانم

بهنام موحدان (پندار)

هنرمندان و آثار هنری‌شان عیار شخصیت و هویت و جایگاه فرهنگی و تاریخی یک ملت هستند. از این رهگذر، هنر به هیچ‌چیز وابسته نیست اما ریشه و اعتبار همه‌چیز به هنر وابسته است. دراین‌میان، موسیقی ایرانی و هنرمندان یگانه‌اش چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی دارای جایگاهی منحصر به خود و شأن و مقامی ممتاز هستند. ارفع اطرائی (نخستین بانوی مدرس سنتور کشور) یکی از هنرمندان سرشناس موسیقی ملی ایران است که خوی مستطاب استادی، اصالت فرهنگی، بینش هنری و آگاهی تاریخی، از بارزترین خصوصیات شخصیت فردی و اجتماعی اوست. اطرائی بیش از ۶۰ سال به عنوان مدرس، نوازنده، داور و استاد راهنما در عرصه موسیقی ایرانی به‌ویژه سنتورنوازی معاصر حضوری مستمر و مؤثر داشته است. متأسفانه به دلیل ابتلا به سرطان خون مدت دو سال است برای درمان در آمریکا به سر می‌برد. درباره آخرین وضعیت جسمانی و شرایط فعلی‌اش و نیز چشم‌انداز آینده موسیقی ایران و ساز سنتور با او گفت‌وگویی کردیم که می‌خوانید.

لطفا درباره آخرین وضعیت جسمی‌تان بگویید. روند درمان شما در چه مرحله‌ای و حال عمومی‌تان چطور است؟

درحال‌حاضر بنا بر نظر پزشکان، پیشرفت بیماری سرطان در من متوقف شده و حال عمومی‌ام خوب است. اما عوارض بیماری که بر کل بدنم تأثیر گذاشته گریبان‌گیرم است؛ پوکی استخوان شدید، درد و گرفتگی عضلات بدن، کم‌بینایی چشم، پوسیدگی لثه‌ها، ضعیف‌شدن رگ سیاتیک، نرم‌شدن استخوان‌های نخاع و چندین مورد دیگر که بدن مرا ضعیف کرده است، البته این ضعف جسمانی به درمان‌های اولیه من در ایران برمی‌گردد که مدام با آنتی‌بیوتیک‌ها و داروهای غیرمرتبط در یک روند فرسایشی، بدن من را ضعیف و ضعیف‌تر کردند تا جایی که پای راستم در شرف قطع‌شدن بود!

متأسفانه باخبر شدم شما برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور درمان خود در آمریکا در آخرین سفر کوتاهی که به ایران کردید، مجموعه سازها و کتاب‌های خود را فروخته‌اید! آیا صحت دارد؟

بله، کاملا درست است. در یک‌سال‌ونیمی که در آمریکا هستم با استفاده از حقوق پسرم و یک بیمه جزئی که دولت آمریکا در اختیار اقشار خاص قرار داده، توانسته‌ام فقط بخشی از هزینه‌های درمانم را تهیه و پرداخت کنم! زمانی که در ایران بودم، بیمه‌ای داشتم که نه خدمات درمانی بود نه تأمین اجتماعی! مطلقا هیچ کاربرد و خدماتی برای من نداشت و مورد تأیید هیچ بیمارستانی نبود! من با آن بیمه یک استامینوفن‌کدئین هم نمی‌توانستم بگیرم! وقتی در بیمارستان طوس تهران پایم را جراحی کردند، همه هزینه‌ها را از پس‌انداز ناچیزی که داشتم و با کمک حقوق ماهانه پسرم پرداخت کردم و آن بیمه یک ریال هم به من کمکی نکرد! خب، در این شرایط بعد از ۶۰ سال فعالیت مستمر هنری وقتی جز پسرانم کسی نیست که یاری‌ام کند و حتی حالی از من بپرسد، مجبور به فروش ساز و کتاب‌هایم که باارزش‌ترین دارایی‌هایم بودند، می‌شوم تا زنده بمانم.

آیا از طرف سازمان‌های مربوطه، از جمله معاونت هنری وزارت ارشاد یا خانه موسیقی یا دفتر مؤسسه پیش‌کسوتان هنر حتی خانه هنرمندان ایران که به‌نام شما هنرمندان و برای خدمت‌رسانی به شما تأسیس شده‌اند، با شما تماسی گرفته نشده یا هزینه درمان شما را تقبل نکرده‌اند؟

به‌هیچ‌وجه، از هیچ ارگان و سازمانی که وظیفه‌شان رسیدگی به امور هنرمندان و پیش‌کسوتان است، نه با من تماسی گرفته‌اند و نه یک ریال به من کمکی کرده‌اند! اگر پسرهایم نبودند، معلوم نبود چه بلایی سر من می‌آمد. ۶۰ سال زحمت کشیدم، نواختم، نوشتم، درس دادم، هرگز به دنبال مادیات و پول و شهرت نبودم، اما هیچ از خودشان نمی‌پرسند آیا این زن اصلا زنده است؟ مرده است؟ الان کجاست و چه‌کار می‌کند؟ انگار نه انگار که اصلا شخصی به اسم ارفع اطرائی وجود دارد!

شما در نگارش ردیف‌های موسیقی ایرانی، مثل ردیف استاد صبا یا استاد برومند یا میرزاعبدالله، چه تفاوت‌هایی را احساس کردید؟

تفاوت در بیان گوشه‌هاست نه در اصل ردیف‌ها، یعنی از لحاظ گام، مشابه هم هستند، اما در بیان، اختلافاتی وجود دارد و به سلیقه آن کسی که ردیف را روایت کرده، بستگی دارد. ما در ایران کمتر استاد و موسیقی‌دانی داریم که به همه ظرایف و جوانب ردیف‌های موسیقی ایرانی آشنا و آگاه باشد. حمل بر خودستایی نباشد؛ اما من به این دلیل در بیش از ۶۰ سال در جشنواره‌ها، فستیوال‌ها و مسترکلاس‌های گوناگون به عنوان داور و استاد راهنما و مدرس حضور داشته‌ام که بر همه دستگاه‌ها و گوشه‌های ردیف موسیقی ایرانی مسلط هستم و این مهم یکی از بایدها و الزامات کاری استادان و داوران موسیقی ایرانی و درحقیقت معیار سنجش ارزش هنری و درجه علمی هنرمندان موسیقی ایرانی است که من نیز از این قاعده مستثنا نیستم.

از نظر مقایسه سطح کیفی، آموزشی، علمی و هنری استادان و مدیریت و وضعیت هنرجویان، به هنرستان عالی موسیقی در سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ و هنرستان سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ چه نمره‌ای می‌دهید؟

در سال‌های اخیر، وضعیت هنرستان عالی موسیقی و کلا آموزش موسیقی در ایران اصلا مطلوب نیست. وقتی که مدیران هنرستان، موزیسین نیستند و از علم و هنر موسیقی اطلاعی ندارند و صرفا بنا بر دلائل مصلحتی، می‌آیند و مدیر می‌شوند، بنابراین مدیریت اینجا شده یک سکوی پرتاب، در این شرایط این افراد اصلا نمی‌دانند این سازمان چه نیازهایی دارد؟ استادان را نمی‌شناسند! بنابراین نمی‌تواند یک طرح و برنامه درست ارائه کند؛ بنابراین ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم کار و عملکرد مثبتی داشته باشند و همین‌طور می‌بینیم که نداشته‌اند!

عمده جریان‌ها و جنبش‌های مهم هنری که در موسیقی اصیل کشور شکل گرفت، همان سال‌هایی بود که شما و هم‌دوره‌ای‌های شما به عنوان دانشجو و مدرس در هنرستان عالی موسیقی و با مدیریت آقایان روح‌الله خالقی و حسین دهلوی فعالیت داشتید. درواقع اوج اقتدار علمی و آفرینش آثار هنری ممتاز در دوره شما بود، اما چه عواملی باعث کم‌رنگ‌شدن و افول تدریجی این دوره طلایی و بازگشت به نقطه آغاز شد؟

حضور استادان بزرگی مانند روح‌الله خالقی و حسین دهلوی در رأس مدیریت هنرستان عالی موسیقی کشور مهم‌ترین علت شکوفایی موسیقی ملی ایران در سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ بود و این هنرمندان پرورش‌یافته مکتب علمی، اخلاقی و هنری بزرگانی همچون کلنل علینقی‌خان وزیری و ابوالحسن‌خان صبا بودند. سرشت این هنرمندان آمیزه‌ای بود از نبوغ هنری، علم و دانش بی‌نظیر، خلاقیت، آگاهی از فرهنگ موسیقی ایرانی، احساس مسئولیت نسبت به فرهنگ و هنر این سرزمین، آشنا با چارچوب موسیقی غربی، داشتن فضیلت‌های اخلاقی و انسانی، صداقت در گفتار و نظم و ترتیب و دقت در رفتار و ده‌ها خصوصیت دیگر که جملگی اینها شاخصه‌های فرهنگی و علمی در هنرستان تحت‌نظارت ایشان بود و ما نیز پرورش‌یافته همین مکتب بودیم. آن زمان همه‌چیز اصول و ترتیبی داشت؛

> **حضور استادان بزرگی مانند روح‌الله خالقی و حسین دهلوی در رأس مدیریت هنرستان عالی موسیقی کشور مهم‌ترین علت شکوفایی موسیقی ملی ایران در سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ بود و این هنرمندان پرورش‌یافته مکتب علمی، اخلاقی و هنری بزرگانی همچون کلنل علینقی‌خان وزیری و ابوالحسن‌خان صبا بودند**

پذیرش استادان در هنرستان براساس یک دستورالعمل خاص بود، شیوه تدریس هر استاد در هیئت علمی ارزشیابی و بعد تأیید می‌شد و همین‌طور نحوه جذب شاگرد و انتخاب ساز برای شاگردان و اینکه به چه واحدهای درسی نیاز دارند و در کدام کلاس و زیر نظر چه استادانی باید دوره ببینند نیز برنامه خاص خود را داشت، مثل حالا سلیقه‌ای و دل بخواهی نبود. دلسوزی و توجه ویژه به سطح آموزش و روند تحصیل و حتی زندگی خصوصی و نیازها و مشکلات فردی و خانوادگی شاگردان هنرستان، از خصوصیات بارز آقای خالقی بود. ایشان شخصا بر روند تحصیلی تک‌تک شاگردان هنرستان چه دختر و چه پسر نظارت دقیق داشتند. هرگز میان شاگردان تفکیک جنسیتی و تمایز قائل نمی‌شدند. یک حس اتحاد و همدلی و اعتماد میان شاگردان، استادان و مدیران برقرار بود؛ چیزی که الان مطلقا وجود ندارد! در زمان آقای دهلوی نیز موسیقی ملی کشور تحت‌تأثیر نبوغ هنری و دانش موسیقایی ایشان، با تغییرات بنیادین در شیوه‌های آموزشی و ابداعات هنری و طرح‌های بدیع علمی در هنرستان عالی موسیقی تبدیل به یکی از آکادمی‌های برتر موسیقی در سطح بین‌الملل شده بود و نتیجه این احساس مسئولیت‌ها و دلسوزی‌ها و تلاش‌های مستمر، در آخرین نسل طلایی از برجسته‌ترین استادان موسیقی کشور که امروزه تک‌تک در گوشه‌وکنار با هزاران مشکل و درد و بی‌مهری و محدودیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند و هر از گاهی خبر فوت‌شان را می‌شنویم، تجلی کرد. بنیان مشکلات ما در حوزه فرهنگ و هنر سوءمدیریت‌ها و نبود مدیران کارآمد و با دانش و متعهد در رأس امور و گوشه‌نشینی و بی‌انگیزگی و منزوی‌شدن پیش‌کسوتان و استادانی است که سال‌ها برای اعتلا و بالندگی موسیقی ایرانی زحمت و رنج بسیار کشیده‌اند و این در حالی است که بهترین شاگردان موسیقی در حال حاضر شاگردانی هستند که زیر نظر ما استادان قدیمی و پیش‌کسوتان به فراگیری هنر پرداخته‌اند.

شما به عنوان نخستین و یکی از معدود بانوان نوازنده سنتور هستید که در ارکستر به عنوان تک‌نواز به اجرای موسیقی با سنتور کروماتیک و کروماتیک باس پرداختید. دراین‌باره و قابلیت‌های این دو ساز کمی توضیح دهید.

بله، البته من تنها نبودم، بعد از من دیگر شاگردان هنرستان نیز با این نوع سنتور به اجرای برنامه پرداختند، اما چون در آن زمان آقای دهلوی نسبت به اجرای دقیق و درست قطعات سازی در ارکستر خیلی حساس بودند، از من به عنوان تک‌نواز استفاده می‌کردند. این دو تا سنتور، سنتور ملودیک نبودند و نمی‌شد به‌راحتی با آن به اجرای ملودی پرداخت. اما در اجرای آثار ارکسترال و مهارت و تبحری که استاد دهلوی در تنظیم قطعات موسیقی برای سازهای مختلف داشت، این نوع ساز از سنتور کم‌کم شناخته شد. درحقیقت ساخت این سنتورها به سفارش و کارشناسی استاد دهلوی و برای ارتقای کیفیت تکنیک‌های نوازندگی در ارکستر و اجرای بهتر قطعات موسیقی انجام گرفت.

درباره کوک ساز سنتور و اینکه یک نوازنده چه مهارت‌هایی برای کوک ساز نیاز دارد، توضیح دهید.

با وسایل مدرن و تکنولوژی‌های جدید که آمده است از جمله انواع تیونرها دیگر نیاز به مهارت خاصی نیست و هرکسی می‌تواند بدون استفاده از روش گوشی آن را انجام دهد. کوک سنتور همیشه ثابت نیست و براساس قطعه‌ای که اجرا می‌شود، اینکه در چه دستگاه و گوشه‌ای نواخته می‌شود، تغییر می‌کند. این توصیه استاد پایور بود و من همیشه این مهم را به شاگردهایم تأکید می‌کردم. اما ما یک کوک ثابت پیشنهادی برای آموزش داریم که از سوی استاد ابوالحسن صبا مطرح شده بود تا شاگرد بتواند همه گوشه‌هایی که لازم است روی ساز پیاده کند. اما بعد از آن هرکسی به فراخور نیازی که در اجرای قطعات موسیقی با سنتور داشت، کوک ساز را تغییر داد.

شیوه آموزشی شما در نوازندگی سنتور چطور آغاز می‌شود، آیا نخست ردیف را آموزش می‌دهید یا با آموزش تکنیک‌ها شروع می‌کنید؟

من به دلیل اینکه ابتدا هفت سال شاگرد استاد حسین صبا بودم و بعد از ایشان، در مکتب استاد پایور به فراگیری موسیقی و کامل‌کردن تکنیک‌ها و اصول نوازندگی ادامه دادم، بنابراین مجموعه‌ای از آنچه در کلاس درس این دو استاد بزرگ را آموختم، در قالب «دستور مقدماتی سنتور استاد حسین صبا و استاد فرامرز پایور» با شاگردانم کار می‌کنم. البته کتاب‌های آموزشی ما، کتاب‌های استاد ابوالحسن صبا و استاد فرامرز پایور است، ما با این کتاب‌ها شروع می‌کنیم، بعد از آن یک استاد باتجربه شاگرد را با استفاده از تجربیات خود و آموزه‌هایی که از استادان خویش به دست آورده، هدایت می‌کند.

اولین قطعاتی که شما با شاگردان مبتدی کار می‌کنید، کدام‌ها هستند؟

مسلما کتاب دستور سنتور استاد پایور است. اما درادامه با پیش‌زمینه‌ای که از کتاب‌های استاد حسین صبا دارم، ایشان شاگرد مستقیم استاد حبیب سماعی بودند و به دلیل اینکه روش تدریس ایشان با شیوه آموزشی استاد پایور کاملا متفاوت بود، از آموزه‌های ایشان نیز در تدریس بهره می‌برم.

شما تک‌نوازی سنتور قطعه کنسرتینو برای سنتور، ساخته آقای عباس خوشدل یا ساخته مشترک آقای دهلوی و آقای پایور را اجرا کردید؟

هر دو را اجرا کردم. در سال ۱۳۳۶ و به مناسبت افتتاح تلویزیون ثابت پاسال، استاد دهلوی و استاد پایور قطعه کنسرتینو برای سنتور را به صورت مشترک ساختند و تنظیم کردند که با ارکستر آقای دهلوی و با تک‌نوازی آقای پایور اجرا شد. اما زمانی که استاد پایور برای سه سال به لندن سفر کردند، در طول آن مدت تنها کسی که با ارکستر آقای دهلوی تک‌نوازی سنتور این قطعه را اجرا کرد، من بودم. اما قطعه مربوط به آقای خوشدل را من و آقای خوشدل با هم ساختیم و تا به امروز فقط من اجرا کرده‌ام.

شیوه و سبک نوازندگی نوازنده‌های سنتور معاصر تا چه میزان متأثر از مکتب استاد فرامرز پایور است؟

ما درحال‌حاضر تعداد نوازنده‌های محدودی داریم که شیوه و سبک استاد پایور را دنبال می‌کنند، اما درعین‌حال، به سلیقه خودشان تکنیک‌های استاد پایور را اجرا می‌کنند. درکل ما بعد از استاد پایور، نوازنده‌ای نداشتیم که بی‌نیاز از مکتب ایشان باشد و هر چند در سال‌های اخیر استادان سرشناسی داشتیم که شیوه و سبک خود را ارئه کردند اما باز هم جان‌مایه آثارشان رنگ‌وبوی سنتورنوازی استاد پایور را دارد. درحقیقت در اینکه استاد پایور را پدر سنتور نوازی معاصر بنامیم، تردیدی نیست. استاد پایور تحولی گسترده و بنیادین در ساز سنتور و شیوه‌ها و تکنیک‌های سنتورنوازی قدما، از جمله حبیب سماعی ایجاد کرد. حبیب سماعی و قدیمی‌ترهای سنتور فقط ردیف می‌نواختند، البته درست و اصولی و بسیار شیرین و زیبا اما بدون خلاقیت و تکنیکی خاص، ولی استاد پایور با تکنیک‌های مختلف قطعات و ردیف‌های موسیقی را اجرا کرد، ایشان هم از پتانسیل و ظرافت‌های ساز به‌تمامی استفاده می‌کردند و هم توانایی و خلاقیت‌های هنری هنرمند را مدنظر داشتند. نوازنده‌های حالا به دلیل نبود شناخت کافی از وسعت و گستره موسیقایی ساز سنتور، نمی‌توانند از همه تکنیک‌ها و همچنین سرعت در نوازندگی بهره‌برداری درست کنند و بیشتر به شیرین‌نوازی می‌پردازند.

ادامه در صفحه ۱۱

نجوا

بانوی موسیقی و گل

نیما توسلی: نوشتن این یادداشت از سر تفنن یا گونه‌ای شیدایی نیست، بلکه چند کاربرد نظری و علمی دارد؛

۱. کنجکاوی و جست‌وجو در اندیشه‌ها و بینش هنری استاد اطرائی ما را به شناختی دقیق و علمی از تاریخ موسیقی ایرانی به‌ویژه سنتورنوازی معاصر و خواست‌ها و اندیشه‌ها و دغدغه‌های استادان نامدارش از حبیب سماعی تا حسین صبا، از ابوالحسن‌خان صبا تا فرامرز پایور رهنمون می‌کند و از این منظر پنجره‌ای تازه و ایده‌هایی نو برای واکاوی و تحقیق و پژوهش پیش‌روی ما قرار می‌دهد.

۲. رسیدن به فهم درست از دغدغه‌ها و رسالت فرهنگی استاد اطرائی خلأهای بسیاری را در حوزه‌های مختلف موسیقی ایرانی، از جمله پژوهش و تاریخ‌نگاری، ردیف‌شناسی، تبارشناسی اخلاق، تحلیل فرهنگ موسیقی ایرانی و جریان‌شناسی سنتورنوازی معاصر برای ما روشن خواهد کرد.

۳. پایبندی به آنچه استاد اطرائی بر مبنای معرفت، هوشیاری و احساس مسئولیت، همه جوانی و سلامتی و زندگی خود را صرف پاسداری، اشاعه و گسترش آن کرد، نه‌فقط برای هنرجویان و دانشجویان موسیقی، بلکه برای همه مردم، درسی اخلاقی و انسانی است که باید در امتداد زندگی فردی و اجتماعی هر فرد شرح و بسط داده شود.

۴. ماندگاری در هنر مستلزم شناخت دقیق تاریخ و درک شرایط زمانه و تطبیق این دو با یکدیگر است. هنرمندان اگر در تاریخ یک کشور، حتی در تاریخ جهان، ماندگار می‌شوند و جریان و دوره‌ای را به نام خود ثبت می‌کنند، ازاین‌روست که تاریخ سرزمین خود را درک کرده و شرایط زمانه خویش را شناخته‌اند و سرانجام خود برگی از کتاب تاریخ شده‌اند. ارفع اطرائی برگی از تاریخ موسیقی ایرانی است که باید بادقت سطربه‌سطر زندگی و آثار وی را خواند و فهمید، تا رمز ماندگاری وی در تاریخ فرهنگ و هنر موسیقی ایرانی را به دست آورد. شما نمی‌توانید بدون آنکه شرایط زمانه خود را درک کرده باشید، آنچه از تاریخ گذشته خود شنیده یا خوانده‌اید را دوباره تکرار کنید آن هم به قصد تغییر جامعه خود!

۵. ارفع اطرائی به عنوان میراث‌دار استادان بزرگ سنتور ایران، حسین صبا و فرامرز پایور، یگانه یادگار و الگوی هنری و اخلاقی اصیل و تداوم اندیشه موسیقایی، تکنیک و اصول نوازندگی، شیوه تدریس و آموزه‌های اخلاقی و سبک زندگی اجتماعی و فردی بزرگان سنتورنوازی معاصر از حبیب سماعی تا فرامرز پایور است که در آثار موسیقایی و پژوهشی خویش از جمله معارف پایور، حبیب سماعی، سنتور ناظمی و فرهنگ موسیقی ایرانی این شاخصه‌های اصلی را برای نسل‌های آینده به یادگار گذارده است.

اما اطرائی بعد از ۶۰ سال حضور مستمر و مؤثر در موسیقی ایرانی و سنتورنوازی معاصر کشور، اینک سالخورده و تنها با روحی آزرده‌خاطر و رنج‌کشیده با تنی رنجور از درد بیماری مهلک سرطان خون در غربت ینگه دنیا به سال‌های دور خود و به اینکه در کجا چه گناهی مرتکب شده که مستوجب این بی‌توجهی‌ها و ناملایمات کسانی شده که تمام اعتبار و وجه قانونی خود را به لطف وجود بابرکت او داشته و دارند و خواهند داشت، می‌اندیشد کدام وجدان بیداری چنین ظلمی را در حق استاد ارفع اطرائی تاب می‌آورد؟ آیا مزد ۶۰ سال تلاش عاشقانه، تعهد مسئولانه و هنر خالصانه یک موسیقی‌دان بزرگ ملی، تنهایی، غم غربت و فراموشی است؟ فراموشی و مرگ خاموش هنرمندان و میراث هنری‌شان که اعتبار فرهنگ ملی ما ایرانیان است، درد بزرگ جامعه است که تنها راه برون‌رفت از این گرداب، بازگشت به سنت‌های تاریخی و درک و شناخت زندگی و اندیشه هنرمندانی مانند استاد ارفع اطرائی است.

مضراب

سرچشمه دانش موسیقایی من

کامبیز روشن‌روان
موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز

استاد ارفع اطرائی که من افتخار شاگردی ایشان را در هنرستان موسیقی داشتم، درواقع من را با سنتور، با ردیف دستگاهی موسیقی ایرانی، آشنا کردند و هر آنچه تا امروز من از موسیقی ایرانی می‌دانم، از ایشان است. در هر اثری که من تا امروز نوشته‌ام، سنتور حتما یک ساز اصلی بوده و شاید دلیل اصلی آن هم به وجود استاد اطرائی برمی‌گردد. ایشان به عنوان یک هنرمند واقعی، به عنوان استادی که وقت‌شناسی، نظم و انضباط، مهارت و دانش منحصربه‌فرد و شخصیت از شاخصه‌های فردی ایشان است و آموزش‌هایی که در این زمینه به من دادند، کتاب‌هایی که نوشتند، مقالاتی که از ایشان منتشر شده، تماما راهگشای کوچکی چون من بوده تا امروز در همه ساخته‌هایم و در تمام مراحل زندگی‌ام همیشه همراهم بوده. به لطف وجود استاد اطرائی ساز سنتور برای من احترام دیگری داشته و همیشه ساز نخست من بوده است. امیدوارم هرچه زودتر سلامتی و تندرستی خود را به دست بیاورند.

با ارفع زندگی کرده‌ام

گیتی وزیری‌تبار
نوازنده پیش‌کسوت ویلن

من با ارفع زندگی‌ها کرده‌ام. بهترین لحظه‌های زندگی من با او سپری شد، دوره لیسانس و آن چهار سال هنرستان بهترین خوشی‌های ما بود. وقتی فهمیدم حالش بد شده و برای درمان به آمریکا رفته، خیلی ناراحت و غمگین شدم. در تماسی تلفنی با او خیلی گریه کردم و از شنیدن صدای هق‌هق من او هم خیلی گریه کرد. من و ارفع خیلی به هم دلبسته و وابسته هستیم. ما با هم سفرهای زیادی همراه با ارکسترهای مختلف برای شناساندن و اشاعه موسیقی اصیل ایرانی به کشورهای گوناگون جهان و همین‌طور نقاط مختلف کشور رفتیم. خانم اطرائی هنرمندی والامقام، استادی مهربان و دلسوز با دانشی منحصربه‌فرد و نوازنده‌ای برجسته هستند. در میان ما خانم‌ها، زحمات و خدمات و پژوهش‌هایی که وی برای موسیقی ایرانی به‌ویژه سنتور و بزرگان این ساز انجام داد، ستودنی و الگوی فرهنگی و هنری همه ماست. او شاگردان بسیاری را هم پرورش داد. من خیلی دلتنگ و نگران حال وی هستم، امیدوارم هرچه زودتر سلامتی خود را به دست بیاورند و به ایران بازگردند.

برگزاری مراسم رونمایی آلبوم «طرح نو»

خرید آلبوم باید تبدیل به عادت شود

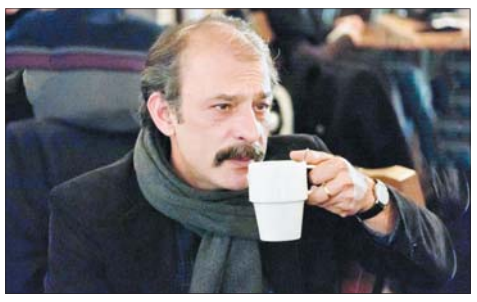

شرق: مراسم رونمایی و جشن امضای آلبوم «طرح نو»، تازه‌ترین آلبوم سهیل نفیسی، دوشنبه ۲۹ آذر با حضور پرتعداد علاقه‌مندان و طرفداران این خواننده در «کافه شناخت» تهران در مرکز شهر برگزار شد. سهیل نفیسی که تنها چند روز است به ایران بازگشته تا در مراسم رونمایی آلبومش حضور پیدا کند، در کنار ناشر اثر در جمع هواداران حاضر شد. افشین معصومی، مدیر مؤسسه فرهنگی- هنری «نغمه حصار» و تهیه‌کننده آلبوم «طرح نو»، در ابتدای این مراسم گفت: «مدت کوتاهی است که من شخص سهیل نفیسی را می‌شناسم، اما با آثارش سالیان زیادی است که آشنا هستم و همواره به‌عنوان یک مخاطب دنبال کارهای این هنرمند بوده‌ام، اما از وقتی که در عرصه موسیقی مشغول به فعالیت شده‌ام، همواره دوست داشتم کاری را از وی منتشر کنم. متأسفانه در روزهایی هستیم که کارهای خوب در عرصه موسیقی کمتر از قبل شنیده می‌شود، اما خدا را شاکرم که این موقعیت به دست آمد تا بتوانیم آلبوم «طرح نو» را به سرانجام برسانیم و امروز در خدمت شما عزیزان از اثری رونمایی کنیم که بدون هیچ تردیدی جزء یکی از بهترین آثار موسیقایی این ماه‌های نشر موسیقی است». سهیل نفیسی که در آلبوم «طرح نو» به‌عنوان خواننده و آهنگ‌ساز فعالیت داشته و حالا بعد از بیش از پنج سال که از انتشار آلبوم «ترانه‌های جنوب» می‌گذرد، این آلبوم را روانه بازار موسیقی ایران کرده، گفت: «امشب فرصت دوباره‌ای است تا دوباره به رؤیاهایم برسم و با انتشار آلبوم «طرح نو» در خدمت شما عزیزان باشم. این پنج سال فرصت بسیار مناسبی بود که روی اشعار حافظ متمرکز و به او نزدیک‌تر شوم. به اعتقاد من اشعار حافظ فقط در حد یک غزل نیست، چراکه جدای از مفهوم و محتوای بسیار ارزشمندی که برای من داشت به من کمک کرد و روی ملودی‌ها و سازرزدنم تأثیر زیادی گذاشت. به‌هرحال مراسم رونمایی امشب یک تولد دوباره برای موسیقی کوچک من است که امیدوارم مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد. آلبوم‌های موسیقی در سال‌هایی منتشر می‌شود که متأسفانه بدنه صنعت موسیقی کشور بیش از همیشه بیمارگونه و شکننده شده است، به‌طوری‌که کپی‌شدن‌های غیرمجاز بدون درنظرگرفتن هیچ‌یک از مؤلفه‌های مادی و معنوی فضای موجود را تحت‌تأثیر قرار داده که چندان راضی‌کننده نیست. البته شاید این اتفاق، اتفاق عجیبی نباشد، اما شرایط را به سمتی هدایت کرده که صنعت موسیقی در ایران بسیار آسیب‌پذیر شده است». نفیسی در پایان صحبت‌هایش گفت: «امیدوارم روزی متوجه باشیم که خرید یک سی‌دی از فروشگاه‌های شهرکتاب و مجموعه‌های عرضه محصولات فرهنگی- هنری چقدر بهتر از کپی‌کردن غیرمجاز است. باور کنید همه موسیقی، فوری‌شنیدن نیست، بلکه لطف خریدن یک آلبوم موسیقی کار قشنگی است که باید آن را تبدیل به یک عادت کنیم. به‌هرترتیب امیدوارم رونمایی از این آلبوم مبارک همه ما باشد، چراکه در این روزها حافظ‌خواندن فرصت مغتنمی است». آلبوم «طرح نو»، به آهنگ‌سازی و خوانندگی سهیل نفیسی و نوازندگی مازیار خواجیان، گیتارباس، حسین کمانی، گیتار دوم و محمدرضا اصغری، کنترباس، ملودیکا، فلوت و پرکاشن از شب یلدا در تهران و شهرهای مختلف کشور توزیع شده است.